

برگی دیگر

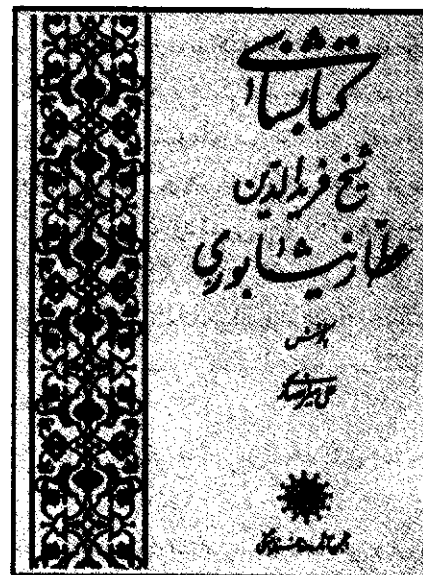
نقد کتابشناسی عطار نیشابوری

حسین مسرت

از بایسته‌ترین کارهایی که لازم بود در طی چند دهه پیش انجام می‌گرفت و تاکنون کسی برای تهیه آن اقدام نکرده بود، گردآوری و چاپ کتابشناسی عطار نیشابوری بود. این مهم خوشبختانه به تشویق روانشاد امیرحسن یزدگردی و به همت کتابشناس برجسته آقای علی میر انصاری، پس از سالها به واقعیت پیوست و برگ زرین دیگری بر گنجینه کتابشناسی ایران افزوده گشت. کاری است بس ستودنی، وزین و در نوع خود بدیع. شیوه تدوین آن می‌تواند نمونه و دستمایه‌ای باشد برای کارهای خوب مرجع‌نگاری در ایران. و فور منابع و مآخذ و دقت در تدوین و اطلاع‌رسانی کارآمد، از دیگر مزایای این کتابشناسی است. برآستی باید به مؤلف آن دست مرزاد گفت و چشم به راه بود تا به همت ایشان، در آینده نزدیک نیز شاهد کارهایی از این دست باشیم؛ گرچه آقای میر انصاری، پیش از این نیز موفق به تدوین و چاپ کتابشناسی خواجه (۱۳۷۰) و ناصر خسرو (۱۳۷۲) شده است.

البته بدیهی است که این روزها با پیشرفت سریع دانش اطلاع‌رسانی و انبوه اطلاعاتی که پیوسته تولید می‌شود، سخن از بایستگی تدوین کتابشناسیها، چندان صواب به نظر نمی‌آید؛ اما چه می‌توان کرد، که نظام اطلاع‌رسانی ما در این زمینه بسیار حقیر و ناچیز است، و چه فراوان کارهای ناشده در

۱. عبدالحسین فرج پهلوی، کتابشناسی توصیفی انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز (اهواز: دانشگاه شهید چمران، ۱۳۶۳)، ص: «ج».



کتابشناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری: به کوشش علی میر انصاری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۲، وزیری، ۳۲۳ص.

پیش روست که دستی پرتوان، همتی عالی و حوصله ای بس بزرگ می طلبد، که این هر سه در این بازار، سگه ای است غیر رایج.

سخن از اهمیت کتابشناسی است:

«امروزه دیگر ضرورت وجود کتابشناسیها و مدارکی از این دست بر کسی پوشیده نیست، بویژه در عصری که وسعت روزافزون دانش، موضوع «انفجار اطلاعات» را به میان کشیده و به دنبال آن، سخن از «انفجار جهل»، می رود. همه اهل علم و پژوهش نیک می دانند که سرعت و سهولت تحقیق در جهان امروز تا چه حد به وجود انواع کتابشناسیها بستگی دارد، و این گونه موارد تا چه حد از اتلاف وقت و دوباره کاریهای علمی پیشگیری می نماید.»^۱ و به عبارتی دیگر: «در اهمیت کتابشناسی همین بس که بدون وجود آن هیچ تحقیق و پژوهشی به طور کامل به سامان نمی رسد» (برای توجیه و توضیح بیشتر، ر. ک: «کتابشناسی نخستین گام اطلاع رسانی»: حسین مسرت، آینده پژوهش، س ۵، ش ۶۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۳: ۱۴-۴).

اما کتابشناسی مورد بحث ما، که در سلسله کتابشناسیهای پدید آور (مؤلف) جای دارد، پس از مقدمه ای کوتاه وارد متن می شود. متن کتاب شامل سه بخش اصلی: زندگی و اندیشه، آثار، و آثار منسوب است، که هر کدام از این بخشها بنابر مبحث خاص خود، دارای بخشهای فرعی ای بدین ترتیب است:

بخش نخست (زندگی و اندیشه)

- ۱- زندگینامه: الف. منابع عمومی؛ ب. مقالات؛ ج. منابع فرهنگ اسلامی؛ د. منابع معاصر؛ ه. کتب و رسایل.
- ۲- اندیشه و افکار عرفانی: الف. مقالات؛ ب. کتب و رسایل.

بخش دوم (آثار عطار)

- ۱- کلیات: الف. مقالات؛ ب. کتب و رسایل.
- ۲- آثار، ذیل هر اثر به این ترتیب: الف. مقالات؛ ب. کتب و رسایل؛ ج. نسخ خطی؛ د. چاپ؛ ه. ترجمه. (در این بخش، نه اثر را از عطار دانسته است).

بخش سوم (آثار منسوب؛ که در این بخش، ۱۵۰ اثر معرفی شده است).

بخش چهارم (فهرست ها)

- ۱- راهنمای نشریات و مجموعه ها؛ ۲- فهرست منابع و مآخذ؛ ۳- سالشمار تحقیقات خاورشناسان درباره عطار؛ ۴- تصاویر؛ ۵- فهرست نامها.

چنانکه همگان کم و بیش می دانند؛ تدوین کتابشناسی براسستی کاری پر زحمت و طاقت فرساست. کتابشناسی جزو کتابهایی است که بهره مادی ندارد؛ حتی با تیراژ کم (حداکثر هزار جلد) چاپ می شود و امیدی هم به تجدید چاپ آن نیست. تنها چیزی که موجب کاوش، گردآوری و تدوین کتابشناسیها می شود، علاقه است و احساس و وظیفه و لا غیر.

نگارنده پس از بررسی همه جانبه این اثر - که می داند با زحمتی توانفرسا و رنج آور و با صرف ساعتهاى متمادی انجام شده است و هر کس را توان دست یازیدن به آن نیست - بنابر اهمیتی که عطار نیشابوری دارد، و علاقه ای که نگارنده به تکمیل و غنای هر چه بیشتر این مجموعه دارد، ملاحظات خود را ضمن سه بخش به «مزایا و ویژگیها»، «کاستیها» و «پیشنهادها» تقدیم می دارم، تا چه قبول افتد.

ویژگیها و مزیتها

۱- تحقیقی است جامع پیرامون شناسایی کتابهای خطی و چاپی، پایان نامه ها، مقالات و سایر منابعی که درباره عطار نگارش یافته است و می تواند رهنمای خوبی باشد برای پژوهندگان زندگی و آثار عطار، و این مهم چنانکه از فحوای کتاب برمی آید، نه کاری چند ماهه که کاری چند ساله و مستمر بوده است.

۲- از طریق این کتابشناسی می توان به فهرستی از ۱۵۰ اثر منسوب به عطار دست یافت (شمار آثار منسوب به عطار بنا بر نوشته رضا قلی خان هدایت در ریاض العارفین ۱۱۴ جلد است)^۲ که برای باز شناخت آثار واقعی عطار بسیار مغتنم است. گردآورنده، ذیل هر اثر منسوب، به گونه ای موجز، دلایل انتساب و صاحبان واقعی آن اثر را شناسانده و به معرفی منابعی

۲. رضا قلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، به کوشش مهرعلی گرگانی (تهران: محمودی، بی تا)، ص ۱۷۳.

می پردازند که دلایلی بر رد انتساب اثر به عطار دارند.

۳- مؤلف در بخشی به نام «سالشمار تحقیقات خاورشناسان درباره عطار»، ضمن معرفی این منابع، خواننده را به اهمیت و جایگاه عطار در ادبیات جهانی واقف می سازد.

۴- گردآورنده با توجه به آنکه در ساحل بحری عظیم و گنجینه ای ارزشمند به نام «بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، به سر می برد، از این سعادت بهره مند بوده که به منابع و مآخذ فراوانی دسترسی داشته باشد که چنین امری برای اندکی از محققان در ایران میسر است. از این رو، از ویژگیهای برجسته این مجموعه، دربرداشتن اطلاعات گسترده در زمینه فهرستهای کتابهای خطی و چاپی موجود در ایران و جهان است که بدین مجموعه، وزنی دو چندان داده است.

کاستیها و پیشنهادها

نگارنده پیشاپیش این نکته را متذکر می شود که برشمردن کاستیها و کمبودها، هیچگاه به قصد کم ارزش جلوه دادن این مجموعه نبوده، بل نکاتی است که نگارنده بدان باور دارد، و معتقد است که به منظور داشتن آن، می توان به مجموعه ای کاملتر رسید.

۱- مقدمه کتاب درخور اهمیت و جایگاه عطار نیست. از آنجا که شناساندن کتاب، نخستین مدخل و محل آشنایی هرکس با مبحث و موضوع آن کتابشناسی است، ناگزیر می بایست در عین اختصار، کاملترین و جامعترین و آخرین آگاهیها را در این باره دربر داشته باشد. این سخن تا حدی پذیرفته است که کتابشناسی، راهنماست؛ اما باید تا اندازه ای دانستیهای راهگشا را نیز داشته باشد؛ که از یک سو به ابعاد شخصیتی پی برد که کتاب درباره اوست و از سوی دیگر بتوان به تمییز منابع پرداخت و پیشاپیش درباره اطلاعات نادرست، روشنگری نمود. بجاست که در مقدمه توضیحی درباره آثار دقیق و منسوب به عطار داد؛ هر چند در متن، ذیل برخی از آثار منسوب، دلایل انتساب آمده، اما این کافی نیست.

چنانکه می دانیم فریدالدین عطار شاعر عارف و آزاده روشنگر در دوره تاریک مغول از خود آثار گرانسنگی به یادگار گذاشته که خوشبختانه در گذر ایام چندان آسیبی بدان نرسیده است. بنا بر نوشته رضا قلی خان هدایت در ریاض العارفین و دکتر صادق گوهرین در مقدمه منطق الطیر، شمار آثاری که به نام عطار شهرت یافته، ۱۱۴ کتاب است. اما دکتر گوهرین اشاره دارد: «در ذکر این عدد مسلماً راه اغراق و غلو پیموده شده است و بیش از ده تا دوازده کتاب را می توان مسلماً از

فریدالدین عطار دانست. ۳ احمد سهیلی خوانساری در مقدمه خسرونامه، شمار این آثار را ۴۹ کتاب می داند و معتقد است که فقط ده کتاب بیقین از آن فریدالدین عطار است؛ بدین شرح:

- ۱- اسرارنامه؛ ۲- الهی نامه؛ ۳- تذکرة الاولیاء؛
- ۴- جواهرنامه؛ ۵- خسرونامه؛ ۶- دیوان؛ ۷- شرح القلب؛
- ۸- مختارنامه؛ ۹- مصیبت نامه؛ ۱۰- منطق الطیر.^۴

سعید نفیسی نیز در مقدمه دیوان عطار گفته بالا را تأیید کرده و می افزاید: «اشترنامه، بلبل نامه، بی سرنامه، ترجمه الاحادیث یا مواظظ، از عطار دیگری است». ۵ اما دکتر محمد استعلامی در مقدمه گزیده تذکرة الاولیاء، تعداد آثار وی را فقط هشت کتاب دانسته^۶ و نامی از جواهرنامه و شرح القلب نبرده است.^۷

۲- تقسیم بندی منابع به زندگی، آثار و اندیشه و ... در مواردی بسیار خوب است؛ اما بدان شرط که مثلاً مقاله دارای موضوعی واحد باشد، وگرنه در مقالات و کتابهای چند موضوعی، گاه تفکیک موجب دشواری می گردد. بیشتر کتابها و مقالات چنینند؛ پس تکرار مشخصات یک منبع ذیل تمامی قسمتها امری است ناگزیر. آیا بهتر نیست، مثلاً در بخش مقالات، فهرست تمامی مقالات بیاید، آنگاه در فهرست تحلیلی کوتاه ذیل آن، به تفکیک موضوعات پرداخته شود؛ مثلاً:

«تازیانه اهل سلوک»: رضا اشرف زاده، کیهان فرهنگی،

۳. خلاصه منطق الطیر، به کوشش صادق گوهرین (تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۲)، ص ۸ و ۹.

۴. عطار نیشابوری، خسرونامه، به کوشش احمد سهیلی خوانساری (چاپ دوم: تهران، زوار، بی تا) ص پنجاه و شش تا هشت.

۵. دیوان فریدالدین عطار نیشابوری، به کوشش سعید نفیسی (چاپ سوم: تهران، سنایی، ۱۳۶۹) مقدمه.

۶. فریدالدین عطار نیشابوری، تذکرة الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی (چاپ چهارم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۶؛ فریدالدین عطار نیشابوری، گزیده تذکرة الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی (چاپ سوم: تهران، ۱۳۷۰)، ص هفده و هجده.

۷. برگرفته از مقاله «تجلی افکار حلاج در آینه آثار عطار»؛ حسین مسرت، ارائه شده به کنگره عطار نیشابوری.

سال ۱۲، ش ۱۲۰ (فروردین و اردیبهشت ۷۴)، ص ۹۶. آثار/ اندیشه/ زندگی/ افکار/ نقد آثار و ...

این کار باعث کاستن از حجم کتاب و دسترسی آسانتر به منابع می شود؛ به گونه ای که می توان کتابها و مقالات و ... را در یک جا آورد و در ذیل آن، فهرست تحلیلی داد. مگر ذیل آثار که می توان مقالات خاص پیرامون همان آثار را آورد.

۳- در بخش صفحه شناسی کتاب، کمبودهای زیادی به چشم می خورد و اغلب به منابع و مراجع بسیار مهم بسنده شده است. تدوین کامل این بخش هر چند بسیار پر زحمت تر از دیگر بخشهاست، اما بسیار بایسته و راهگشاست.

۴- ذیل مشخصات منابع؛ مؤلف به دادن چند اطلاع کوتاه اکتفا کرده است، همچون: پروین گنابادی، محمد؛ «ارسال مثل عطار» گزینۀ مقاله ها (۱۳۵۶): ۱۶۸-۱۶۹.

این شیوه یک حسن دارد و آن، کاستن از حجم کتاب است، اما به شرطی که بتوان مشخصات کامل این کتاب را در فهرست منابع یافت. (در فهرست صفحه ۲۹۲ فقط نام کوشنده این مجموعه افزوده شده است.) بهتر بود ترتیب صفحات نیز طبق نظام اعداد فارسی از چپ به راست باشد: ۱۶۸-۱۶۹.

۴- برای کاستن از حجم، مشخصات کامل نسخه های خطی نیامده است. اما می بایست حداقل در نخستین مدخل، مشخصات یک نسخه کامل، شامل آغاز و انجام می آمد. بعداً ذیل هر نسخه قید می شد: کامل، ناقص (آغاز یا انجام)، گزیده و ...

این شیوه، کار را برای محققین و مصححین آثار عطار بسیار آسان می نمود. و مثلاً یک شهرستانی و حتی تهرانی که به فهرست بشیر حسین و ... دسترسی نداشت، از مراجعه بدان فهرست بی نیاز می شد، و ناچار نبود پس از ماهها مکاتبه با کتابخانه ای و پرداخت هزینه های سنگین، عکس نسخه ای را دریافت کند که ناقص باشد.

۵- در بخش رساله ها (پایان نامه ها)، که آن هم چکیده وار است، نام استادان راهنما که برآستی مهم و تعیین کننده است، از قلم افتاده است؛ در حقیقت ارزش برخی از رساله ها به استادان راهنماست.

۶- برخی از منابع، چاپهای جدید از آن انجام شده است و برخی منابع چاپها و تصحیحهای گوناگون دارند، همچون: هفت اقلیم (ص ۳۸). گنج دانش (ص ۴۱)، مرآة البلدان (ص ۴۲)، و مجمع الفصحا (ص ۴۱). دادن نشانی چاپهای گوناگون کمک خواهد کرد که هر کس با هر کدام از اینها سرو کار داشت، به مطلب مورد نظر خود دست یابد. مثلاً بیشتر

کتابخانه ها چاپ جدید گنج دانش را (سال ۱۳۶۶) در اختیار دارند. و جز چند کتابخانه انگشت شمار و قدیمی، چاپ سنگی آن را ندارند. یا آتشکده آذر که به غیر از چاپ بسیار محدود شهیدی که در متن است، بیشتر کتابخانه ها چاپ سادات ناصری را دارند. چندین چاپ سنگی از آن نیز در تهران و بمبئی انجام شده است.

۷- مرز بین «منابع فرهنگ عمومی» و «فرهنگ اسلامی» مشخص نیست. الذریعه می توانست داخل «فرهنگ اسلامی» باشد و مجمل فصیحی برعکس.

۸- خط سیاه ممتد (—) نشانه تکرار نام نویسنده است، نه نشانه مقالات و نوشته های بدون نام نویسنده. این رویه در تمام کتاب اعمال شده است. در این موارد می بایست عنوان مقاله، سرشناسه می شد.

۹- به لحاظ آنکه کتابشناسی افراد، می تواند نمایانگر سیمای کامل یک شخص باشد، در بخش تصاویر، جای نگاره های خیالی از عطار، مینیاتورها و صورتهایی که براساس آثار عطار ترسیم شده و عکس نسخه های خطی آثار عطار خالی است.

۱۰- چند اشتباه کوچک چاپی و غیر چاپی نیز به کتاب راه یافته است؛ برای مثال، در فهرست مندرجات به جای هیلاج نامه، میلادنامه چاپ شده است و یا در فهرست اعلام (ص ۲۸۲) نام حلاج از قلم افتاده است. نیز در بیشتر جایها اعم از لاتین و فارسی نام ایرانشناسان، کامل نیست: و. بارتولد (ولادیمیر بارتولد)؛ برتلس، آ. (یوگنی ادواردویچ برتلس)؛ ادوارد براون (ادوارد گرانویل براون)؛ شبلی نعمانی (محمد شبلی نعمانی).

چند پیشنهاد دیگر

۱- افزودن بخش عطارشناسان. این بخش کمک خواهد کرد که با عطار شناسان نامی ایران و جهان آشنا شد، تا در این رهگذر با مشورت آنها، نکات ناگشوده زندگی و آثار و اندیشه عطار را دریافت، و به زمینه هایی راهنمایی شد که هنوز در آنها بقدر لازم کار نشده است، و نیز از دوباره کاری پرهیز گردد.

دیده شده است که پژوهنده ای پس از سالها بررسی و کنکاش در زمینه ای خاص، باخبر می شود که استاد و پژوهشگری



دیگر، کاری بمراتب بهتر و کاملتر از این را انجام داده، یا در حال انجام آن است. از یک سو سرخورده شده و از سوی بر زمانهایی که بیهوده صرف این کار کرده افسوس می خورد. نمونه بارز آن، چاپ همزمان [گزیده] کتابشناسی عطار به وسیله نادر کریمیان از سوی سازمان میراث فرهنگی ایران در سال ۱۳۷۴ با کتاب مورد بحث ماست.

۲- افزودن بخش «کارهای در دست تألیف» یا «زیر چاپ» برای پرهیز از دوباره کاریها.

۳- در چاپ بعدی ضمن افزودن منابعی که از قلم افتاده و منابع تازه یاب، به چاپ فهرست کامل مقالاتی که به کنگره جهانی عطار رسیده، پرداخته شود. هر چند وعده داده شده است که مجموعه مقالات برگزیده، در آینده چاپ می شود.

(مجموعه مقالات کنگره جهانی خواجه در مهر ۱۳۷۰ هنوز چاپ نشده است). اما تکلیف آن ۳۵۰ مقاله که راهی بدین «گزیده» ندارند، و چه بسا مقالات بسیار خوبی هم باشند، چه می شود؟ کمترین سودمندی این کار، آگاهی از کارهای انجام شده در زمینه عطارشناسی است.

۴- برای آسان یابی نام کتاب در فهرستها و کتابخانه ها بهتر است نام آن، «کتابشناسی عطار نیشابوری» باشد.

نکته پایانی

همان گونه که در دیباچه کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میددی به طور مفصل یادآور شده ام و شاید نیاز به تکرار نباشد، اما به واسطه اهمیت آن ناگزیر از تکرار مواردی هستم که شاید با توجه و عنایت دست اندرکاران امور راه به جایی برند. از این رو، به ذکر چند مورد بسنده می شود:

- اغلب کتابشناسیهای تدوین شده در ایران، دارای یک نقیصه عمده بویژه در بخش معرفی نسخه های خطی، هستند؛ بنابر ضعف نظام اطلاع رسانی موجود، پژوهندگان هیچگاه از فهرست دقیق و کامل کلیه مقالات آگاه نمی شوند و هر کتابشناس، بسته به منابعی که در محدوده کار و یا شهرش بدان دسترسی دارد، به تدوین کتابشناسی دست می یازد. این نقیصه در بخش نسخ خطی بسیار آشکارتر است.

- بسیاری از کتابخانه ها فهرست کاملی از نسخه های خطی خود را چاپ نکرده اند (برخی نیز اصلاً فهرستی ندارند) چنانکه پژوهندگان اطلاعی از نسخ خطی کتابخانه های زیر-پس از تاریخهای داده شده- ندارند:

کتابخانه ملی تهران (۱۳۵۴)؛ کتابخانه وزیری یزد (۱۳۵۸)؛ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۴۱)؛

کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (۱۳۵۷)؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۷)؛ کتابخانه مجلس سنای سابق (۱۳۵۹). بدین ترتیب، در مورد برخی کتابخانه ها بیش از سی سال است که اطلاع کتابشناسی در دست نیست. حتی فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی که به طور مستمر چاپ می شود، بنا بر اظهار دکتر محمود مرعشی در کنگره کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، فقط نیمی از نسخ خطی موجود فهرست شده است. می توان کتابخانه ملک تهران را تا اندازه ای روزآمد دانست.

- انبوه مجموعه های شخصی موجود در ایران و عدم آگاهی از محتویات آن نیز از دیگر موانع رسیدن به یک کتابشناسی کامل است. با توجه به عدم چاپ فهرست برخی کتابخانه های داخلی و خارجی و عدم اطلاع از کتابخانه های شخصی، شاید بتوان ادعا کرد که، آنچه درباره نسخه های خطی فراهم گشته است، نیمی از اطلاعات موجود است.^۸

- متأسفانه در ایران، مرکزی که به تربیت فهرستنگاران نسخه های خطی پردازد، وجود ندارد. از این رو، برای دست یافتن به فهرست کامل آثار خطی موجود، باید فهرستنگارانی را آموزش داد و به کتابخانه ها و مراکز فرهنگی کشور گسیل داشت.

در انتها، بار دیگر برای مؤلف این کتابشناسی که رنجی بسیار را بر خود هموار کرده است، موقیبت و پیروزی در انجام کارهای جدید را آرزو داریم؛ و چنانکه در مقدمه کتابشناسی عطار آمده، موفق به چاپ کتابشناسی سنایی غزنوی نیز بشود. همچنین این توفیق را بیابد که کتابشناسی دیگر نام آوران را همچون خیام، ابن سینا، غزالی، خواجه عبدالله انصاری، سعدی، صائب و...، گردآوری و منتشر نماید.

۸- برگرفته از مقدمه «کتابشناسی ابوالفضل رشیدالدین میددی»، به کوشش حسین مسرت (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۳۲-۳۳.